[پنجاه و سه]

> [illegible]

سلام علیکم

خیلی متشکرم از توضیحات خوبتان

سوال بنده این بود:

نقل قول:

> اما پاسخ شما سوال را از زاویه دیگری برای بنده تشدید کرد و آن همان آیه «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» است.
> ...
> شما هم به تعدد قرائات وحیانی باور دارید و هم به اینکه برخی از قرائات به ما نرسیده است و هم به آیه فوق؛ جمع این سه مطلب، ...

در مجموع معلوم شد برداشت بنده از نحوه جمعی که شما بین سه مطلب مورد نظر انجام دادید نادرست بود. اما بالاخره چگونه جمع می کنید.

دوباره مطالب قبل را مرور کردم دیدم مطلبی را از اهل سنت قبلا آورده بودید که شاید بتواند پاسخ قلمداد شود. فرموده بودید:

نقل قول:

> ولی در مورد همین برخی قرائات هم، من را به یاد سخنی از یک اهل سنت انداختید:
> نيل الأوطار (۶/ ۳۷۰) محمد الشوكاني (المتوفى: ۱۲۵۰هـ)
> وأجابوا أيضا بأن ذلك لو كان قرآنا لحفظ لقوله تعالى: {إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون} [الحجر: 9] وأجيب بأن كونه غير محفوظ ممنوع بل قد حفظه الله برواية عائشة له
> بحث او راجع به خمس رضعات است که عائشه روایت کرده اول ده بار بوده و سپس به پنج بار نسخ شده و تا رحلت حضرت باقی بوده، و طبق جواب شافعیة خیلی روایات مباحث قرآنی از شیعه و سنی نقش ایفا میکنند.

در واقع پاسخ مستفاد از جملات فوق این است که روایاتی که از طرق معصومین به ما رسیده، آنچه از قرآن مورد نیاز ما بوده را برای ما حفظ کرده است.

اگرچه این پاسخ، می تواند تاحدودی مشکل نرسیدن قرائات به ما را حل کند، اما آیا معنای حفظ قرآن این است؟ اینکه خیلی بعید به نظر می رسد. از آنجا که ظاهر فرمایش شما این است که صرفا آن را نقل کرده اید نه اینکه نظر خودتان باشد؛ در معنای فوق مناقشه نمی کنم و در هر صورت ممنون می شوم اگر توضیح دهید که نظر خودتان چیست؟

ضمنا اگر فکر می کنید پاسخ سوال سوم پیشین (مکی ای مدنی بودن آیه مذکور) در حل پاسخ بنده موثر است، بر دریافت فوری پاسخم اصرار نمی کنم و لطف کنید و از همانجا شروع بفرمایید.

ضمنا به قرآن مراجعه کردم. سوره حجر ظاهرا مکی است و آیه مذکور هم با توجه به قبل و بعدش ظاهرا مکی است. منتهی آیات قبل و بعد را که مرور کردم نکته ای توجهم را جلب کرد که گویی سیاق بحث سیاق بحث با کفار است و آیه مذکور نه ناظر به دخل و تصرف انسانی، بلکه ناظر به دخل و تصرفات شیاطین در مسیر دریافت وحی می باشد چنانکه آیات 17 و 18 دلالت واضح بر این مقصود دارد (وحفظناها من کل شیطان رجیم ...)

آیا این بدان معناست که اصلا آیه مذکور در مقام جلوگیری از تحریف انسانی نبوده است؟ و بحث استحاله تحریف را به ادله دیگر (مثل ادله کلامی و ...) باید برگرداند؟

التماس دعا [1]

---

[1] پست یکی از کاربران با نام کاربری Hosein-

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 13:22:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 13:24:30 توسط ... .